

«تاریخ از نگاه اهل بیت (علیهم السلام)»

ارائه و تحلیل آن در بسترهای دیجیتال

گزارشی از پانزدهمین جلسه از سلسله نشست‌های علوم اسلامی و انسانی دیجیتال



به کوشش: احمد اکبری

aakbari@noornet.net

اشاره

پانزدهمین جلسه از سلسله نشست‌های علوم اسلامی انسانی دیجیتال با عنوان «تاریخ از نگاه اهل‌بیت(علیهم السلام)؛ ارائه و تحلیل آن در بسترهای دیجیتال» در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در سالن اجتماعات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) برگزار گردید.

در این جلسه، ابتدا پروژه تحقیق بر روی کتاب بحارالأنوار، برای استخراج مباحث مربوط به تاریخ از نگاه اهل‌بیت(علیهم السلام)، توسط ارائه‌کنندگان از گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(علیه السلام) تبیین شد. در ادامه، ناقدان و کارشناسان مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، به بیان نکاتی چند در حوزه‌های محتوایی و فنی مرتبط با این پروژه پرداختند و در پایان، به سؤالات و نظرات ناقدان و حضار جلسه پاسخ داده شد.

آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد، مهم‌ترین نکات مطرح‌شده از سوی اساتید و کارشناسان این نشست است که امید است مورد توجه خوانندگان و علاقه‌مندان این نوع مباحث، قرار گیرد.

حجت‌الاسلام دکتر الویری:

تبیین پروژه تاریخ از نگاه اهل‌بیت(علیهم السلام)

در این جلسه، نخست جناب حجت‌الاسلام دکتر محسن الویری، عضو هیئت علمی و مدیر گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(علیه السلام) به عنوان مدیر این تیم پژوهشی، به تبیین کارگروهی تحقیقاتی که پیرامون احادیث اهل‌بیت(علیهم السلام) صورت می‌پذیرد، پرداخت. در ادامه، مهم‌ترین سخنان ایشان از نظر می‌گذرد.

«مطالبم را طی برخی نکات بیان می‌کنم:

نکته ۱. تعیین محور کاری که در حال انجام آن هستیم و آن قلمرو پژوهشی که دنبال می‌کنیم، نقش بسیار مهمی در تعیین معیار داوری ما دارد. در این داوری که می‌خواهد انجام شود، به آن نقطه باید توجه شود و بر پایه آن پیوندی که این بحث با علوم انسانی اسلامی دارد، دقیقاً کاری است که پیوند پیدا می‌کند با آن کاری که من عرض خواهم کرد.

اکنون، یک نگاه بسیار فشرده به گذشته و حال و آینده این کاری که در حال انجام است، می‌کنم.

در باره دلالت‌های تاریخی روایات، دو کار متفاوت می‌توان انجام داد. گرچه این دو کار، هم‌پوشانی هم دارند، ولی دو نقطه تفاوت هم دارند و دو هدف متفاوت را دنبال می‌کنند.

نخست: مطلق تاریخ در روایات است. اگر بخواهیم با اطلاعات فنی‌تر بیان کنیم، می‌شود گفت: «مضامین تاریخی روایات» یا «دلالت‌های تاریخی روایات» یا «بازنمایی تاریخ در روایات». در مقاله‌ای که در کنگره نقش شیعیان در علوم اسلامی ارائه شد، در مورد تفاوت این اصطلاحات توضیح داده شده و نیز در باره خود این کار هم به تفصیل توضیح داده‌ایم.

اینکه ببینیم تاریخ در روایات معصومان(ع) چه جایگاهی دارد، خود یک کار است. توجه شود که شاید بخشی از این تاریخ، اصلاً در متن احادیث نباشد؛ بلکه در سلسله روایان و سند احادیث باشد.

ساحت بعدی، تاریخ از نگاه اهل‌بیت(علیهم السلام) است؛ یعنی در مرحله دوم، ما دنبال این هستیم که بدانیم معصومان(علیهم السلام) به تاریخ چگونه نگاه کرده‌اند. در این حالت، دیگر آن مباحث تاریخی و دلالت‌های تاریخی سلسله روایان، به کار ما نمی‌آید. نکته مهمی که امام معصوم(علیه السلام) در باره

جریان‌های فکری و سیاسی زمان خودشان یا در مورد کنش‌های سیاسی شیعیان بیان کرده‌اند، گرچه برای پژوهشگران تاریخ بسیار مهم است، ولی حکایتگر تاریخ از نگاه معصومان (علیهم السلام) نیست؛ بلکه حکایتگر نگاه معصومان به زمانه خودشان است. قلمرو پژوهشی دوم، اخص از حالت اول است. در پژوهشی که ما با همکاران خودمان داریم، همین نکته دوم را دنبال می‌کنیم؛ یعنی دنبال این هستیم که ببینیم که معصومان (علیهم السلام) چگونه به تاریخ نگاه می‌کردند؟ و تاریخ چقدر برایشان مهم بوده است؟ چقدر به تاریخ ارجاع داده‌اند؟ و چقدر به گذشته خودشان توجه داشته‌اند؟

علت اینکه کانون دوم را انتخاب کردیم، دو دلیل است:

اول: می‌خواهیم میراث بومی و دینی را بازخوانی کنیم که در فضای حوزه و دانشگاه، کمتر به آن توجه می‌شود.

دوم: می‌خواهیم با این کار، گامی در مسیر اسلامی‌سازی دانش تاریخ برداریم. اینکه نمی‌گوییم «تاریخ اسلامی»، به جهت این کج‌تابی است که این واژه می‌تواند داشته باشد؛ مثلاً «تاریخی» یا «تاریخ»، کدام صفت است و کدام موصوف؟

این مسئله که دانش تاریخ به چه معنا می‌تواند اسلامی باشد، اصلی‌ترین پرسشی است که امروز در عرصه تاریخ‌پژوهی، در سطح کشور ما وجود دارد. این، یک پرسش بنیادی و طبیعی است که نباید به آن پاسخ‌های شتاب‌زده و شعارزده بدهیم؛ بلکه در اینجا باید سخن علمی و روشن گفت. باید سخنی گفت که برای پژوهشگران و دانش‌آموختگان عرصه تاریخ در دانشگاه‌ها، قابل فهم باشد.

این، از جمله دغدغه‌های گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) بوده و برداشت ما این هست که پاسخ دقیق به این سؤال، در گام نخست به این برمی‌گردد که بدانیم قرآن به تاریخ چگونه می‌نگرد؟ و پس از آن، بدانیم که اهل بیت (علیهم السلام) به تاریخ چگونه می‌نگرند؟ تا پاسخ این دو سؤال را ندانیم، نمی‌توانیم به این سؤال که «دانش تاریخ به چه معنا می‌تواند اسلامی بشود»، پاسخ روشنی بدهیم.

به این جهت، یک بحثی هم به عنوان «تاریخ در قرآن» شروع شده که در آن بند آخر به آن اشاره کردم که در کنار کار تاریخ در روایات، تاریخ در قرآن هم در حال انجام است.

دکتر الویری:

ما دنبال این هستیم که بدانیم معصومان (علیهم السلام) به تاریخ چگونه نگاه کرده‌اند. در این حالت، دیگر آن مباحث تاریخی و دلالت‌های تاریخی سلسله راویان، به کار ما نمی‌آید. نکته مهمی که امام معصوم (علیه السلام) در باره جریان‌های فکری و سیاسی زمان خودشان یا در مورد کنش‌های سیاسی شیعیان بیان کرده‌اند، گرچه برای پژوهشگران تاریخ بسیار مهم است، ولی حکایتگر تاریخ از نگاه معصومان (علیهم السلام) نیست؛ بلکه حکایتگر نگاه معصومان به زمانه خودشان است

به هر حال، می‌خواهیم بدانیم که اهل بیت (علیهم السلام)، چگونه به تاریخ می‌نگرند؟ وقتی این کار به انجام برسد، آن وقت بر پایه آن می‌توانیم، به یک پیشنهاد برسیم که اگر علم تاریخ خواست اسلامی شود، باید چه کار کند. تا این پاسخ را نداشته باشیم، نباید این شعار را در جوامع علمی مطرح کنیم.

بر این اساس، خروجی نهایی این طرح کمک می‌کند برای به پاسخ این پرسش که «دانش تاریخ به چه معنا می‌تواند اسلامی باشد؟». اگر بدانیم ائمه معصوم (علیهم السلام) چگونه به تاریخ نگاه کردند، می‌توانیم از آن برای پی‌ریزی بنیان‌های بومی و دینی، الهام بگیریم.

نکته ۲. این طرح، از سال ۱۳۹۸ با یک دوره آموزشی آغاز شد. آموزش، برای آشنایی با نرم‌افزار بود که در این کار باید مورد استفاده قرار می‌گرفت که در آن سال، به دلیل شیوع کرونا، مدتی کار متوقف شد. از مهرماه ۱۳۹۹ مجدداً کار به صورت مجازی شروع شد و بعدها هم ادامه پیدا کرد. همکاران ما در این پروژه، همه از کسانی هستند که پیش از این کار، پژوهشی انجام داده بودند. در آذر سال ۱۴۰۱، نشستی با عنوان «ظرفیت‌ها و دلالت‌های تاریخی احادیث» برگزار شد که ارائه‌دهندگان آن نشست، همین هشت نفری که در این گروه فعالیت می‌کنند، بودند. هریک از این افراد، سابقه کاری را که انجام داده بودند، ارائه کردند و این‌سندها، معیار گزینش همکاران این گروه شد. تا به حال، هفتادوهفت جلسه داشته‌ایم و جلسات به صورت مباحثه اداره می‌شود.

وقتی کار به جایی رسید که به یک درک روشنی از آن رسیدیم، دانستیم که باید آن را به نقد بگذاریم. بنابراین، سه گروه مخاطب را برای ارائه کار به آنها و دریافت نقدهای آنان، انتخاب کردیم.

گروه نخست، افرادی بودند که با فناوری اطلاعات آشنا بودند؛ برای اینکه بدانند ما چگونه مطالب را استخراج می‌کنیم، چگونه ذخیره می‌کنیم و از کدام نرم‌افزار استفاده می‌کنیم تا کاستی‌های کار خویش را در این حوزه بدانیم.

دسته دوم، حدیث‌پژوهان بودند. چون کار ما بر پایه روایات بود، خیلی مایل بودیم که حدیث‌پژوهان بدانند ما داریم چه می‌کنیم و نقد آنها را بشنویم که در این باره هم یک نشستی را برگزار کردیم.

گروه سوم، تاریخ‌پژوهان بودند. لازم بود که تاریخ‌پژوهان هم بدانند ما چه می‌کنیم و اگر نظر یا نقدی دارند، لازم بود که آنها را نیز دریافت کنیم.

دکتر الویری:

این مسئله که دانش تاریخ به چه معنا می‌تواند اسلامی باشد، اصلی‌ترین پرسشی است که امروز در عرصه تاریخ‌پژوهی، در سطح کشور ما وجود دارد. این، یک پرسش بنیادی و طبیعی است که نباید به آن پاسخ‌های شتاب‌زده و شعارزده بدهیم؛ بلکه در اینجا باید سخن علمی و روشن گفت. باید سخنی گفت که برای پژوهشگران و دانش‌آموختگان عرصه تاریخ در دانشگاه‌ها، قابل فهم باشد



این جلسه در حقیقت، در ادامه همان جلسات دریافت نظر کارشناسان، و البته به دعوت عزیزان در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور بود که از آنها تشکر می‌کنم.

ما در این کار، کتاب شریف بحار الأنوار را مبنای کار خود قرار دادیم و طبیعتاً آن قدر توجه داریم وقتی که تقریباً در نزدیک به دو سال فقط حدود دو جلد از این کتاب را بررسی کردیم، اگر بنا باشد صد و ده جلد را کار کنیم، زمان بسیاری را می‌طلبید؛ اما بر این باوریم که وقتی این هسته اولیه، کاملاً به یک هم‌زبانی برسند، هسته‌های فرعی تشکیل می‌دهند و کتاب را توزیع می‌کنیم بین گروه‌های مختلف. یا اینکه اگر به یک شیوه‌نامه عملیاتی قابل اجرا رسیدیم - که خیلی دور از ذهن نیست - آن شیوه‌نامه را به صورت عمومی در اختیار قرار می‌دهیم تا افراد بیشتری در این کار وارد شوند. در این صورت، امیدواریم ظرف پنج یا شش سال بتوانیم این کار را به پایان ببریم.

البته ما یک چالش جدی هم احساس می‌کنیم. خروجی کار ما، الآن در نرم‌افزار MAXQDA است. این برنامه، مناسب استفاده مخاطب نیست. اینکه نتیجه تحلیل داده‌ها به صورت لوح‌های فشرده ارائه شود هم سخن سنجیده‌ای به نظر نمی‌آید. انتظار مشخص، این است که آیا راه حلی وجود دارد که این کار در یک فضایی ارائه شود که در حین کار و پس از اتمام، کاربران بتوانند از آن راحت استفاده کنند؟ خروجی کار ما، یک مجموعه دسته‌بندی شده است؛ از آنچه دلالت می‌کند بر نگاه معصومان (علیهم السلام) به تاریخ؛ چه در عرصه مباحث نظری، چه در عرصه رویدادها که ان‌شاءالله در این باره در قسمت‌های بعدی، بیشتر توضیح داده خواهد شد.»

سرکار خانم دکتر ضائفی:

نرم‌افزار MAXQDA و مدیریت و تحلیل داده‌ها

در بخش دوم این نشست علمی، سرکار خانم دکتر راحله ضائفی، دانش آموخته جامعه المصطفی العالمية در رشته تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) و از محققان فعال در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) به معرفی ابزار مورد استفاده در این پروژه برای مدیریت و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت. ایشان ضمن اشاره به مراحل تحقیق، گفت:

«معمولاً هر پژوهشگر باید در مسیر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، مشخص کند که از چه روشی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. هر تحقیق، بر اساس شیوه و روش خاصی انجام می‌شود. در این پروژه، ما روش‌های تاریخی توصیفی و همبستگی علی و تجربی را مشاهده کردیم و همه را تجربه نمودیم. در هر پژوهش، گام اول، گردآوری داده‌هاست. گام دوم، تجزیه و تحلیل داده‌هاست. در تحلیل داده‌ها، دو شیوه آماری و دستی، از شیوه‌های مهمی است که استفاده می‌شود. در تحلیل‌های آماری، سخن از تحلیل کمی، تحلیل کیفی و یا ترکیبی از هر دو است که باید در نتایج مختلف ارزیابی، مد نظر قرار گیرد.

در عصر حاضر، برای اینکه تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌سهولت انجام شود و یک انسجام و نظم منطقی در آن وجود داشته باشد، ناگزیر هستیم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای پژوهشی استفاده کنیم. متأسفانه، گاهی کم‌توجهی به این مقوله و استفاده از نرم‌افزارهای پژوهشی، پژوهشگران را با سختی کار همراه می‌کند و یا آنها را دلسرد می‌سازد.

برای این کار، با بررسی‌های انجام‌شده دانستیم که برنامه MAXQDA با زبان فارسی سازگاری بهتری دارد و کاربران زبان فارسی از این برنامه بیشترین استفاده را کرده‌اند.

این نرم‌افزار، بسیار پویاست و در تجزیه و تحلیل داده‌ها و خروجی‌هایی که به محقق می‌دهد، معمولاً مفید است و در شاخه‌های مختلف از آن استفاده می‌شود؛ در علوم اجتماعی، انسانی و حتی در علوم پزشکی. این برنامه، قابلیت‌های خوبی دارد؛ از جمله:

- روزآمد است و قابلیت‌های جدید پیوسته به آن افزوده می‌شود؛

- انواع داده‌ها، اعم از: متن، تصویر، صوت، ویدئو و حتی محتوای تحت وب را کنار هم و ذیل یک موضوع جای می‌دهد و به‌سهولت کدگذاری می‌کند؛

خانم دکتر ضائفی:

معمولاً هر پژوهشگر باید در مسیر جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، مشخص کند که از چه روشی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. هر تحقیق، بر اساس شیوه و روش خاصی انجام می‌شود. در این پروژه، ما روش‌های تاریخی توصیفی و همبستگی علی و تجربی را مشاهده کردیم و همه را تجربه نمودیم. در هر پژوهش، گام اول، گردآوری داده‌هاست. گام دوم، تجزیه و تحلیل داده‌هاست. در تحلیل داده‌ها، دو شیوه آماری و دستی، از شیوه‌های مهمی است که استفاده می‌شود



- امکان نمایش طبقه‌بندی شده انواع داده‌ها را داراست؛

- امکان نمایش داده‌ها به صورت نقشه را دارد؛

- امکان ویرایش داده‌ها و نتایج تحلیل آنها را در اختیار می‌گذارد؛

- امکان بازیابی کدها، حتی بعد از گذشت زمان هم وجود دارد؛

- و ده‌ها ویژگی و قابلیت جذاب دیگر.

البته در بررسی ابتدایی، بحث استفاده از نرم‌افزارهای نور، مورد نظر قرار گرفت؛ به‌خصوص در معجم موضوعی بحار الأنوار. نکته‌ای که داشت، این بود که در این معجم‌ها، نمایه‌هایی که برای هر موضوع اختصاص یافته، به صورت مفهومی نیست؛ بلکه بیشتر به صورت واژه‌ای است و این واژه‌ها در ارتباط با همدیگر، آن مفهومی را که ما استفاده می‌کردیم، در برداشت. یا مثلاً در این برنامه‌ها معمولاً موضوعات به صورت کلی بود و تمام موارد و بحث‌هایی را که به صورت جزئی در کتاب بحار الأنوار آمده است، شامل نمی‌شود.»

حجت‌الاسلام والمسلمین چگینی:

شیوه کدگذاری و تحلیل محتوا

میهمان دیگر این نشست، جناب حجت‌الاسلام رسول چگینی، دانشجوی دکترای تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) بود که به ارائه و تبیین شیوه کدگذاری کتاب شریف بحار الأنوار در ارتباط با این موضوع پرداخت و گفت:

«بخشی که من ارائه می‌کنم، تبیین نحوه کدزنی است که در این پروژه انجام شده است. ما تاکنون یک جلد و نیم از کتاب بحار الأنوار را کدگذاری کرده‌ایم و در حقیقت، نوعی مطالعه با تحقیق داشته‌ایم. به صورت گذرا اشاره می‌کنم که ما همه کدها را در دو عنوان کلی تقسیم کردیم:

اول: مباحث نظری تاریخ؛

دوم: رویدادهای تاریخی.

مراد از مباحث نظری، مباحثی است که مربوط به علم تاریخ است؛ یعنی ما می‌خواهیم علم تاریخ را از درون روایات استخراج کنیم. در بخش دوم، رویدادهای تاریخی دنبال می‌شود که غالب کارهایی که بر روی روایات انجام شده است، معمولاً در این بخش دوم بوده است. شاید بتوان گفت نوآوری ویژه‌ای که این کار ما دارد، همان بخش نخست است.

بحث نظری تاریخ را به دو عنوان کلی تقسیم کردیم: ۱. هست تاریخی؛ ۲. نگاه به تاریخ و شناخت رویداد و گزارش آن. به منظور شناخت مراد ما از «هست تاریخی»، به نمونه‌هایی از عناوین مباحث آن در ادامه اشاره می‌کنیم:

الف. قوانین: یعنی قوانینی که در طول تاریخ، ساری و جاری بوده است. خود قوانین هم به مشروط و مطلق تقسیم می‌شود. مشروط، یعنی اینکه وابسته به شرایطی، اتفاقی می‌افتد و مطلق، یعنی در سرتاسر تاریخ این اتفاق خواهد افتاد؛ مثلاً در بحث قوانین مشروط، یکی مباحث امتداد اجتماعی آموزش نیکی‌هاست. کسی که نیکی می‌کند، یک امتداد اجتماعی دارد و یک اثر اجتماعی می‌گذارد. عباراتی از اهل‌بیت(علیهم‌السلام) آمده است که این معنا را می‌رساند. از امام صادق(علیه‌السلام) نقل شده است: «مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ؛ کسی که یک خیری را بیاموزد، پاداش کسی را که عمل می‌کند، می‌برد.» این مطلب، بیانگر آن است که یک آموزش دینی، چه امتدادی می‌تواند داشته باشد؛ اما قوانین مطلق، کمی کلی‌تر دیده شده‌اند؛ مثلاً اینکه زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نخواهد بود، یک قانون مطلق است.

ب. کنشگران تاریخ: منظور، شناسایی کسانی است که در طول تاریخ، اهل‌بیت(علیهم‌السلام) آنها را به عنوان کنشگر معرفی کرده باشند؛ یعنی چهره و شخصیتی که تاریخی باشد و به عنوان کنشگری اقدامی انجام داده باشد. کنشگرها نیز به بشری و غیربشری تقسیم می‌شوند. غیر بشری، یعنی ممکن است ملک یا حیوان باشد و هر موجود دیگری که کنشگری دارد و از زبان اهل‌بیت(علیهم‌السلام) به عنوان کنشگر معرفی شده باشد؛ مثلاً اینکه ملائکه لعنت می‌کنند، یک نوع کنشگری است. همین‌جا تذکر این نکته ضروری است که ما به دنبال واژه نبودیم که مثلاً بگوییم، واژه ملائک چقدر در لسان اهل‌بیت(علیهم‌السلام) آمده است؛ بلکه بحث کنشگری‌اش لحاظ شده؛ یعنی ملائکه به شرطی که کنشگری داشته باشند، دنبال شده است.



ج. **زمان و غایت تاریخ:** در بحث رویدادهای تاریخی (یعنی عنوان دوم)، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ ولی چیزی که ما در این جا دنبال می‌کنیم، بحث نقل قول است؛ مثلاً اینکه امام صادق (علیه السلام) اگر مطلبی را از امام سجاد (علیه السلام) نقل کرده باشد، این برای ما یک گزاره تاریخی محسوب می‌شود. نقل قول‌هایی که در اینجا آوردیم، همه از همین نوع است؛ یعنی وقتی که یک امام معصوم از کسی قبل از خودشان نقل کرده باشد. از این رو، تاکنون ۲۱۶ نمایه استخراج شده است.

بخش دیگری هم داریم که رویدادهای خود اهل بیت (علیهم السلام) از خود زمان اهل بیت هست که مثلاً در زمان امیر مؤمنان (علیه السلام) چه اتفاقاتی افتاده است. در این مورد نیز، باز نگاه تاریخی وجود دارد؛ مثلاً وقتی امام صادق (علیه السلام) از زمان امیر مؤمنان (علیه السلام) رویدادی را نقل کند، علاوه بر اینکه یک نقل قول محسوب می‌شود، یک رویداد هم محسوب می‌شود؛ چون یک کنشگری فعال در یک برهه‌ای از زمان را بیان می‌نماید.

یک سری مطالب هم به عنوان تاریخ اجتماعی آوردیم که کمی متنوع‌تر است؛ مثلاً این مطلب را که در آن زمان از ابزاری استفاده می‌شده، به عنوان تاریخ اجتماعی آوردیم. منظور، مطالبی است که در حین بررسی متون حدیثی، به آن برخورد می‌کنیم که مطلب جالبی است؛ اما مستقیماً هم به دسته‌بندی‌های ما ربط ندارد؛ بلکه آنها را به عنوان مباحث جانبی حفظ می‌کنیم؛ مثلاً موضوعی را به عنوان نهاد آموزش قرار داده‌ایم. در نهاد آموزش اینکه اهل بیت (علیهم السلام) برای چگونه نگاشتن «بسم الله» مطلبی دارند، این موضوع را ذیل بحث تاریخ اجتماعی قرار داده‌ایم.

در مجموع، تاکنون برای یک جلد و نیم از بحار الأنوار، ۱۱۰۰ کد استخراج شده است که اگر به همه مجلدات بپردازیم، آمار خیلی بیش از اینها خواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین توحیدی:

نگاه یکپارچه به روایات مشابه

پس از تبیین و ارائه میهمانان در باره چگونگی تحلیل روایات و استخراج نگاه اهل بیت (علیهم السلام) به تاریخ، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح توحیدی وحدت، مدیر پژوهشکده متن‌کاوی نصوص دینی، به ارائه نکاتی پیرامون مباحث مربوط به محتوا و تحلیل روایات پرداخت. ایشان با اشاره به برخی کارهای انجام‌شده در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، گفت:

«به صورت کلی، آن طور که بنده برداشت کردم، کار شما بدین صورت است که چون گزاره‌های تاریخی، بخشی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) هستند، هدفی که ترسیم شده، این بوده که مبتنی بر داده‌هایی که در روایات هست، نگاهی یکپارچه به گزاره‌های تاریخی از منظر روایت بشود؛ یعنی باید روایات شناسایی شود، از آن روایات موضوعات استخراج شود، گزاره‌های استخراج‌شده کنار هم قرار گیرد و پایه یک تحلیل جامع و کلی از زاویه تاریخ قرار گیرد.

به نظر می‌رسد، لازمه اینکه این مطلب اتفاق بیفتد، باید به مجموعه احادیث به عنوان یک کل، نگاه جامعی داشته باشید. بر همین اساس، به عنوان یک پیشنهاد مطرح می‌کنم که اگر احادیث گروه‌بندی بشوند، وقتی یک حدیث را بررسی می‌کنید، اگر مشابه آن در منابع دیگر ذکر شده باشد، آن را هم مشاهده می‌کنید. این کار، مزایایی دارد؛ از جمله:

اول اینکه کار شما سرعت پیدا می‌کند. توضیح اینکه مثلاً در پایگاه حدیث که توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی راه‌اندازی شده است، بیش از ۳۹۰ هزار حدیث هست که اینها در ۱۸۵ هزار



گروه قرار گرفته‌اند. مبنای گروه‌بندی، فقط مشابهت لفظی است؛ یعنی لفظ حدیث، فارغ از سند آن، ملاک گروه‌بندی قرار گرفته است؛ یعنی بیش از نیمی از این احادیث، در منابع تکرار شده است. در این صورت، مثلاً آن حدیثی که در کافی هست، مثلاً در محاسن، امالی، وسائل الشیعه و... هم هست. در این صورت، با تمرکزی که در کار انجام می‌دهید، کار سرعت پیدا می‌کند.

مزیت دیگر، این است که چون در روایات مشابه، عبارات همگون و یا تفاوت‌های جزئی الفاظ احادیث مشخص شده است، تفنن در تعبیرهایی که در منابع مختلف آمده، می‌تواند در آن قضاوتی که می‌خواهید در نهایت داشته باشید، تأثیرگذار باشد. پس، پرداختن به یک حدیث و ندیدن احادیث با تعبیر مشابه، می‌تواند در آن جامعیت شما خدشه ایجاد کند.

مزیت دیگر اینکه چون برخی منابع حدیثی، روایات را تقطیع کرده‌اند، در تحلیل روایات، قرائن موجود در متن احادیث می‌تواند کارگشا باشد. اگر حدیث منفک از احادیث دیگر در نظر گرفته شود و از قرائن احتمالی در متون دیگر غفلت شود، ممکن است فرآیند پژوهش و تحلیل شما دچار اشکال شود.

فایده دیگر، بحث اعتبار سندی است؛ مثلاً شما کتاب بحار الأنوار را انتخاب کردید؛ استفاده از احادیث مشابه، باعث می‌شود که اشکالات سندی برخی روایات، با کمک سایر احادیث حل شود یا پوشش داده شود.

من این طور برداشت کردم که کاری که شما می‌خواهید انجام دهید، به نوعی مشابه دو مورد از کارهایی است که در مرکز انجام می‌شود؛ یکی، معجم‌های موضوعی است که ساختارش این گونه است که از حدیث، یک چکیده‌ای استخراج می‌شود و سپس از آن چکیده، یک نمایه دو کلمه‌ای استخراج می‌شود که دیگر هیچ ارتباطی با متن حدیث ندارد؛ بلکه فقط ناظر به همان چکیده است و بعد از آن نمایه، کلیدواژه‌ها استخراج می‌شوند. پس، کلاً ناظر به مفاهیم است؛ نه الفاظ.

مورد دوم، درختواره است که خیلی شبیه به آن کاری است که شما انجام می‌دهید؛ فرمودید هفت محور یا پنج محور انتخاب می‌کنیم تا بتوانیم گزاره‌ها را ذیل آن مرتب کنیم؛ مثلاً برای علم کلام، زیرمجموعه‌هایی ترسیم می‌کنیم و بعد مبتنی بر آن درختواره، به سراغ متن و اتصال مطالب به درخت می‌رویم. این کار، یک حس‌نش این است که پژوهشگر خودش را مقید می‌کند که اتصالاتش را فقط محدود کند به همین شاخه‌ها و زیرشاخه‌هایی که در این درخت ترسیم شده است؛ نه بیشتر.

حجت الاسلام چگینی:

مراد از مباحث نظری، مباحثی است که مربوط به علم تاریخ است؛ یعنی ما می‌خواهیم علم تاریخ را از درون روایات استخراج کنیم. در بخش دوم، رویدادهای تاریخی دنبال می‌شود که غالب کارهایی که بر روی روایات انجام شده است، معمولاً در این بخش دوم بوده است. شاید بتوان گفت نوآوری ویژه‌ای که این کار ما دارد، همان بخش نخست است. بحث نظری تاریخ را به دو عنوان کلی تقسیم کردیم: ۱. هست تاریخی؛ ۲. نگاه به تاریخ و شناخت رویداد و گزارش آن

نکته بعدی، آسیبی است که ممکن است دچار آن بشوید و این آسیب، در کار همکاران ما در مرکز هم وجود دارد و آن، این است که در هر یک از هر دو حالتی که شما پیش رو انتخاب کنید که کار را پیش ببرید، مشکلی وجود دارد و آن، تنوع و گستردگی مطالب و برداشت و فهم متفاوت پژوهشگران است. وقتی پژوهشگر می‌خواهد با فکر و اندیشه خودش مطلب را استخراج کند و مفهومی را از لابه‌لای متن تشخیص بدهد، طبیعتاً فهم و سلیقه اشخاص با هم متفاوت است و در خروجی نهایی، تأثیرگذار است. به عنوان مثال، در کاری که در مرکز نور پیرامون فرهنگ موضوعی بحارالأنوار انجام شده است، این اتفاق در مورد سه حدیث مشابه هم افتاده است. سه حدیث از امیر مؤمنان (علیه السلام) که مضمون آنها ناظر به این است که در مکر و خدعه اگر حضرت می‌خواستند و دستشان باز بود، از معاویه بهتر بلد بودند. هر سه روایت، در بحارالأنوار آمده است. چکیده‌های که محققان بر این احادیث زده‌اند، این گونه شده است:

– «إبء أمير المؤمنين علي (ع) من المكر والخديعة حذراً من النار.» (بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۱۰۹)

– «إبء أمير المؤمنين علي (ع) من المكر والخديعة والخيانة حذراً من النار.» (بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۱۱۰)

– «إبء أمير المؤمنين علي (ع) من المكر والغدر لملازمته الفجور والكفر والفضيحة في القيامة.» (بحارالأنوار، ج ۴۰، ص ۱۹۳)

یعنی سه متنی که می‌توانست هر سه یک چکیده برای آن انتخاب شود و هر سه به یک چکیده متصل شوند؛ ولی هر کدام به یک متن متصل شده‌اند؛ یعنی چون کار حجیم و بزرگ بوده، محققان مختلف برداشت‌های گوناگون کرده‌اند؛ اگرچه آیین‌نامه و دستورعمل هم داشته است، ولی در نهایت، این گونه شده است. اینها آسیب‌های کار سنتی است. البته معنای این حرف، آن نیست که این کار انجام نشود؛ بلکه منظور آن است، این راه رفته‌ای است که می‌توان از تجربه آن، استفاده کرد.

مهندس ربیعی زاده:

ضرورت استفاده از بستر شبکه و وب

کارشناس دیگر این نشست، علمی جناب آقای مهندس احمد ربیعی زاده، مدیر آزمایشگاه هوش مصنوعی و علوم اسلامی انسانی دیجیتال و از کارشناسان مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بود که طی چند نکته به بیان نقد و بررسی موضوع مذکور پرداخت.

«نکته اول اینکه نرم افزار MAXQDA همان طور که گفته شد، نرم افزار جامع و کاملی برای پژوهش های توصیفی است و تقریباً بیش از سی سال سابقه دارد. این برنامه، تاکنون نسخه های متعددی را ارائه کرده است و امکانات تخصصی متعددی هم دارد؛ اما نکته ای که هست این است که برنامه مذکور برای کارهای کوچک یا متوسط پژوهشی است؛ ولی برای کاری در حجم و اندازه پروژه ای که می خواهد بیش از صد و چند جلد کتاب بحار الانوار را تحلیل محتوا کند، مناسب نیست. طبق مستنداتی که بنده در مورد این نرم افزار مطالعه کردم، اشاره شده بود که بیش از دو هزار و پانصد کد را توصیه نمی کند. اگر بر هر جلد بحار الانوار حدود ۸۰۰ کد زده شود، در صدوده جلد، بالغ بر هشتاد هزار کد خواهید داشت که مدیریت اینها، چه از نظر فنی و سرعت و چه از نظر پژوهشی، مشکل خواهد شد.

مشکل دیگر، بحث کار گروهی است که دوستان فرمودند این نرم افزار، برای کار گروهی ساخته نشده است؛ برای مثال، گاهی لازم است که از فایل ها کپی بگیرید و برای محقق دیگر بفرستید. حال اگر آن فرد تغییراتی داد، آن را چه می کنید؟ تغییرات چگونه ادغام می شوند؟ شما هر چه زودتر باید به سوی کار روی بستر وب بروید که همه افراد تیم تحت شبکه فعالیت بکنند و به صورت یکپارچه تغییرات را اعمال کنند. در این صورت، هم تیم را می توانید گسترش دهید و هم نظارت ها به صورت برخط انجام می شود.

البته آن قدر که اطلاع دارم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی هم نرم افزار موضوع سازی را در دستور کار دارد که ان شاء الله اگر طراحی بشود و در اختیار محققان قرار بگیرد، می تواند مفید باشد.

ساختار درخت کد گذاری

نکته دوم، ساختار و شیوه کد گذاری هایی است که نسبت به محتوای روایات انجام می شود. به مرور زمان، این کدهایی که تعیین کردید، وقتی زمان می گذرد و کدهای جدید اضافه می شود، ممکن است در کدهای قبلی اصلاحاتی صورت بگیرد. در این صورت، از نظر منطقی آن نگاه هستان شناسانه ای که باید بر اساس ماهیت این کدها، طبقه بندی و دسته بندی و ادغام و گروه بندی های آنها شکل بگیرد، اتفاق نیفتاده است؛ مثلاً دیدم حیوان، نخل و مرزداران، در عرض هم آمده اند. این عدم دسته بندی دقیق، کار را مشکل خواهد کرد. توصیه اکید بنده این است که مثلاً بیاید از ساختارهای استاندارد که برای طبقه بندی مفاهیم وجود دارد، مثل آنتولوژی یا هستان شناسی استفاده کنید که بر اساس آن، کاربر پژوهشگر شما خیلی سریع به آن گره مفهوم خاصی که در نظرش هست، برسد.

این، یک تجربه موفق است که در علم اطلاعات به سوی آن رفته اند و در ادامه کار هم برای استفاده از هوش مصنوعی و ماشین، خیلی قابل خوانش تر است و گزارش گیری های متعددی هم می توانید برای آن انجام دهید؛ مثلاً می توان گفت هر چه مبحث تاریخی در مورد حیوانات است، فارغ از اینکه در کجای درخت هست، نمایش بدهد.

توجه به بهره برداری از هوش مصنوعی

کار انسانی و برچسب گذاری دستی، قطعاً مفید و قابل بهره برداری است؛ اما فراتر از کار دستی،

حجت الاسلام توحیدی:

کار شما بدین صورت است که چون گزاره‌های تاریخی، بخشی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) هستند، هدفی که ترسیم شده، این بوده که مبتنی بر داده‌هایی که در روایات هست، نگاهی یکپارچه به گزاره‌های تاریخی از منظر روایت بشود؛ یعنی باید روایات شناسایی شود، از آن روایات موضوعات استخراج شود، گزاره‌های استخراج شده کنار هم قرار گیرد و پایه یک تحلیل جامع و کلی از زاویه تاریخ قرار گیرد. به نظر می‌رسد، لازمه اینکه این مطلب اتفاق بیفتد، باید به مجموعه احادیث به عنوان یک کل، نگاه جامعی داشته باشید. بر همین اساس، به عنوان یک پیشنهاد مطرح می‌کنم که اگر احادیث گروه‌بندی بشوند، وقتی یک حدیث را بررسی می‌کنید، اگر مشابه آن در منابع دیگر ذکر شده باشد، آن را هم مشاهده می‌کنید

برچسب‌گذاری‌های ماشینی است. در مورد عناوین افراد یا عبارت‌های زمانی که به جهت تفنن در عبارت‌ها ممکن است به گونه‌های مختلفی ذکر شود، اینها را می‌توان کمی‌سازی و یکسان‌سازی کرد. بعد می‌توان یکجا به تمام عبارت‌های مختلف دسترسی پیدا کرد. این توانایی، از ماشین برمی‌آید.

استخراج رویدادها در لابه‌لای متون، توسط هوش مصنوعی قابل انجام است و می‌توان به صورت ماشینی آنها را استخراج کرد. کار ماشینی، نیازمند نمونه خوب و آماده‌شده توسط انسان است که با توجه به اینکه گفته شد تاکنون یک جلدونیم از بحار الأنوار را کار کرده‌اید، این می‌تواند خوراک خوبی برای یادگیری ماشین باشد؛ یعنی ماشین از این نمونه استفاده کند و بفهمد کجاها برای شما مهم است. بعد همان را تسری بدهد به کارهای بعدی. به هر حال، از هوش مصنوعی می‌توان هم برای ارتقای درخت استفاده کرد و هم برای برچسب‌گذاری‌هایی که دارد به صورت دستی انجام می‌شود.

پاسخ به سؤالات

در این نشست علمی که دکتر حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمی ثابت، دبیری این جلسه را به عهده داشت، فرصتی در اختیار حاضران در جلسه قرار داده شد تا در مورد نظرات اساتید و ناقدان سؤالات خود را مطرح نمایند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین پرسش‌های ارائه‌شده و پاسخ کارشناسان محترم پروژه، به عنوان سخنان پایانی این جلسه، از نظر می‌گذرد.

مهندس ربیعی زاده:

نرم افزار MAXQDA همان طور که گفته شد، نرم افزار جامع و کاملی برای پژوهش های توصیفی است و تقریباً بیش از سی سال سابقه دارد. این برنامه، تاکنون نسخه های متعددی را ارائه کرده است و امکانات تخصصی متعددی هم دارد؛ اما نکته ای که هست این است که برنامه مذکور برای کارهای کوچک یا متوسط پژوهشی است؛ ولی برای کاری در حجم و اندازه پروژه ای که می خواهد بیش از صد و چند جلد کتاب بحار الأنوار را تحلیل محتوا کند، مناسب نیست

* توجه به کارهای مشابه و انجام شده در مرکز نور

- پرسش: آیا برای انجام این کار، محصولات مرکز نور، به خصوص نرم افزار سیره معصومان (علیهم السلام) مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفته است؟ همچنین، کتاب بحار الأنوار سطر به سطر آن در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بررسی شده و موضوعات آن مشخص شده است. چقدر به این محصولات توجه شده و آیا با دست اندرکاران این پروژه ها مشورتی صورت گرفته است؟
- پاسخ: بله. ما همه نرم افزارها را اجمالاً دیده ایم و غالباً با این نرم افزارها سروکار داریم و برای انجام این کار، مورد توجه ما بوده است.

* علت انتخاب کتاب بحار الأنوار

- پرسش: چرا کتاب بحار الأنوار برای این کار انتخاب شده است؟ آیا روایات از لحاظ سندی هم بررسی می شوند؟

- پاسخ: می دانیم که مرحوم مجلسی اصرار داشته که در کتاب بحار الأنوار روایات کتب اربعه را بیاورد و ما تا این لحظه، روایتی پیدا نکردیم که در بحار الأنوار باشد و در یکی از منابع چهارگانه ما نباشد. به این جهت، گفتیم که متن جامعی باشد که هر چه را هست، دربرگیرد و ما را در یک حدی بی نیاز کند. این، ملاک اولیه بوده است. البته در عین حال، نقدهایی هم بوده است و ما از این دست پرسش ها را یادداشت می کنیم تا اگر فرصتی فراهم شد، توجیه و پاسخ آنها را به صورت یک جلد کتاب کاغذی مستقل و یا در فضای مجازی منتشر کنیم و به تفصیل بیشتری در باره آنها سخن بگوییم.

در ضمن، ما در این مرحله، به هیچ وجه کار رجالی و سندی نمی کنیم. تصمیم گرفتیم با استناد به آنچه در این کتاب آمده است، کدگذاری کنیم و قضاوت و بررسی در این باره را به کسی که استفاده می کند، واگذار کنیم.

* نسبت مباحث تاریخ اجتماعی با پروژه

- پرسش: طرح مباحث جانبی را که تحت عنوان «تاریخ اجتماعی» قرار می‌گیرد، اگر بخواهید ادامه دهید، مثنوی هفتاد من خواهد شد. معمولاً وقتی جهت‌گیری یک کار موضوعی مشخص می‌شود، دیگر به بحث‌های حاشیه‌ای زیادی نمی‌پردازند؛ چون از اصل کار باز می‌مانند و اگر هم بخواهید به آن بپردازید، همه کتاب بحارالأنوار می‌شود همین بحث‌های متفرقه. پس، بحث تاریخ اجتماعی که شما به عنوان بحث حاشیه‌ای می‌خواهید به آن بپردازید، از خود متن، سنگین‌تر و وسیع‌تر خواهد شد.

- پاسخ: این طور نیست که بحث‌های حاشیه‌ای و تاریخ اجتماعی بیشتر از متن بشود. اصلاً این قسمت را شاید عرضه هم نکردیم. ما در بحث‌ها گفته‌ایم که اگر در این بررسی هر کدام از اعضای گروه مطلب جالبی خارج از موضوعات به ذهنشان خطور کرد، آن را جداگانه نگه دارند؛ چون معلوم نیست که دیگر فرصتی پیش بیاید تا دوباره با حوصله این متون بررسی گردد و مطالب آنها استخراج شود. تعداد این مطالب، زیاد نیست و شاید تاکنون از هفتاد یا هشتاد مورد تجاوز نکرده است. بنابراین، حواشی متن را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد.

* گستره مباحث تاریخی

- پرسش: با این دید وسیعی که شما ترسیم کردید، به نظر می‌رسد که تمام فضای هستی می‌شود تاریخ؛ یعنی ما هیچ جایی را خالی از بحث تاریخی با معنای وسیعی که شما در نظر گرفتید، نخواهیم داشت. بنابراین، عملاً کار شما می‌شود یک کار وسیعی که به همه جنبه‌های انسانی ربط پیدا خواهد کرد؛ مثلاً نقل قولی که فرمودید، نقل معصوم یا نقل از معصوم، خیلی از این نقل قول‌ها، مباحث معارفی و فقهی است. آیا این گونه بحث‌ها در محدوده کار این پروژه است؟

- پاسخ: اینکه ما همه جهان را ما تاریخی دیده باشیم، اگر این طور باشد، هیچ ابایی نداریم و واقعاً هم تاریخ همین گونه است. تاریخ را کم نینگارید؛ اما واقعیت این است که ما در این کار، سه مقوله: «تاریخ»، «امر تاریخی» و «روایت تاریخی» را تعریف کرده‌ایم. اگر این طور نبود، ما در یک جلدونیم از کتاب بحارالأنوار باید تاکنون ده‌ها هزار گزاره استخراج می‌کردیم.



* استخراج موضوعات و دخالت سلیقه‌ها

- پرسش: همکاران شما در این کار گروهی، قطعاً از نظر آشنایی با تاریخ متفاوت‌اند. همچنین، در کار گروهی قطعاً سلیقه و درک افراد، از مضمون و محتواها متفاوت است و ممکن است برای اتصال به درخت یا اختصاص کد به مطالب، نظرات مختلفی داشته باشند. با اختلاف برداشت‌ها چه می‌کنید؟ و چگونه به یک نظر واحد و منسجم می‌رسید؟ و به طور کلی، دانش و سلیقه پژوهشگران این پروژه، چقدر در این کار تأثیرگذار است؟

مثلاً وقتی بخواهیم موضوعی را استخراج کنیم، چیزهای مختلفی می‌تواند در انتخاب موضوع تأثیرگذار باشد؛ یکی از آنها، دانش محقق است. ممکن است کسی با دیدن یک حدیث، یک مطلب استخراج کند و دیگری با دانش بیشتری، همین حدیث را ببیند و ده مطلب استخراج کند. آیا برای کاهش این اختلاف‌ها، فکری شده است و آیین‌نامه یا شیوه‌نامه‌ای تنظیم شده است؟

اگر بخواهید در آینده از دانش جمعی استفاده نمایید و کار را توزیع کنید و مثلاً در بستر وب یا به صورت ویکی باشد، برای آن فکری کرده‌اید؟ اختلاف سلاقی و اختلاف برداشت‌ها، در آن حالت چگونه خواهد شد؟ مثلاً در مورد موضوعاتی که تحت عنوان تاریخ اجتماعی قرار می‌دهید، در آن حالت که جمع بیشتری در تحلیل محتوا دخالت داده شوند، چگونه خواهد شد؟

- پاسخ: پرسش بسیار دقیق و درستی است. ما یک گروه هشت نفره هستیم که همه از کارشناسان تاریخ هستند. در مورد انتخاب موضوعات، معمولاً نظر جمع مهم است. البته کار به صورت رأی‌گیری نیست؛ بلکه بحث اقناعی و علمی است؛ ولی در مواردی که در موضوعی اختلاف نظر باشد، ملاک، نظر جمع است.

مهندس ربیعی زاده:

کار انسانی و برچسب‌گذاری دستی، قطعاً مفید و قابل بهره‌برداری است؛ اما فراتر از کار دستی، برچسب‌گذاری‌های ماشینی است. در مورد عناوین افراد یا عبارت‌های زمانی که به جهت تفنن در عبارت‌ها ممکن است به گونه‌های مختلفی ذکر شود، اینها را می‌توان کمی‌سازی و یکسان‌سازی کرد. بعد می‌توان یکجا به تمام عبارت‌های مختلف دسترسی پیدا کرد. این توانایی، از ماشین برمی‌آید. استخراج رویدادها در لابه‌لای متون، توسط هوش مصنوعی قابل انجام است و می‌توان به صورت ماشینی آنها را استخراج کرد

حجت‌الاسلام دکتر الویری:

جمع‌بندی

در پایان این جلسه، جناب حجت‌الاسلام دکتر الویری، در پاسخ به نظرات ناقدان، نکاتی را به عنوان جمع‌بندی و به منظور توضیح پیرامون مطالب مطرح‌شده، بیان کرد و گفت:

«نکته اول: اگر شرایط استفاده از کارهای انجام‌شده در مرکز نور، به‌ویژه در مورد مراجعه به روایات مشابه و نگاه یک‌جا به همه تعابیر مختلف روایات برای ما فراهم شود، بسیار مناسب است و از آن استقبال می‌کنیم که در این زمینه، از پایگاه نورحدیث کمک بگیریم.

نکته دوم: در مورد این مسئله که این کار به دو شیوه مرسوم در تولید محصولات نور، یعنی شیوه موضوعی و درختواره شبیه است، باید گفت که بله به لحاظ روشی شاید شبیه باشد؛ اما به لحاظ هدف، متفاوت است. اینکه توضیح دادم چگونه دانش تاریخ اسلامی می‌شود، به جهت همین بود که بیان کنیم هدف از این کار، آن است که خروجی کار به درد کسی بخورد که دغدغه تحول در دانش تاریخ را دارد. ما ادعا داریم که در این مسیر حرکت کردیم و توانسته‌ایم این فضا را ایجاد کنیم.

البته آن درک‌های مفهومی و آنتولوژی را که اشاره کردند، قبول داریم که کمک‌کار هست؛ ولی واقعاً به نظر ما هوش مصنوعی هر چقدر هم میدان‌دار باشد، به اندازه‌ای که هشت نفر بنشینند و در جلسه تک‌تک روایت را مباحثه کنند، نمی‌تواند کمک بکند.

نکته سوم: کاستی‌های برنامه MAXQDA را بسیار درست و دقیق اشاره کردید. ما هم به این مشکل واقف بودیم؛ اما فعلاً توان ما همین برنامه بوده است؛ چون رایگان هست و در همه جا پیدا می‌شود. این، کاملاً درست هست که به اشتراک‌گذاری آن، مشکل است و امکان ویرایش اطلاعات توسط افراد مختلف وجود ندارد. در حال حاضر، کار به این صورت است که در هر جلسه که بررسی و مباحثه انجام می‌شود، در پایان جلسه، مطالب و ویرایش‌شده همان جلسه بلافاصله در اختیار همه قرار می‌گیرد و در جلسه بعد، روی آن کار مباحثه گروهی صورت می‌گیرد. اگر شما می‌توانید شرایط بهتری در این جهت برای ما فراهم کنید، بدون تردید، استقبال خواهیم کرد.

نکته چهارم: در باره این موضوع که گفته شد کدگذاری‌ها می‌تواند بهتر از این باشد، باید گفت که ما فعلاً کدهای اصلی را گفتیم. کدهای ما فعلاً نهایی نیست؛ یعنی از اولین روایت که شروع کردیم، هر کد که به ذهنمان رسید، آن را ثبت کردیم. جلد اول کتاب بحار الأنوار که تمام شد، کدها را بازبینی کردیم و مجدداً همه را مرور نمودیم. هنوز هم در وسط کار، گاهی می‌شود که یک کد را حذف می‌کنیم و یا تبدیل به یک کد جدید می‌نماییم؛ اما کدهای فرعی، هنوز دسته‌بندی نشده است؛ مثلاً رویدادهای مربوط به زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که دیگر معصومان ذکر کرده‌اند، فعلاً هرچه هست نوشته‌ایم و هنوز دسته‌بندی نشده است. باید تعدادش زیاد شود و بعد مجدداً آنها را کنترل و دسته‌بندی کنیم.

البته دسته‌بندی ما، آن قدر هم بی‌منطق نیست. آن محورهای اصلی، کاملاً تابع یک منطق است و روشن است که از آن دفاع می‌کنیم. در مورد استفاده از هوش مصنوعی هم اگر پیشنهاد اجرایی مشخصی وجود داشته باشد، استقبال می‌نماییم. ■